

سازوکار ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی

با تأکید بر توسعه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی

حمیده واعظی^۱؛ عباس علوی شاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

چکیده

در آموزش عالی ایران «نظام مدیریت دانشگاهی» ساختار بیش از اندازه هرمی و متمرکز به خود گرفته و فضای مداخله‌ی حداقلی را برای ذی‌نفعان بالاخص دانش‌جویان به وجود آورده که این موضوع برخی حوزه‌های عملکردی دانشگاه‌ها را با چالش روبه‌رو ساخته است. تحقیقات نشان می‌دهد عدم توسعه‌ی مناسب فرهنگ مشارکتی در دانشگاه‌ها یکی از علل عمده‌ی مطرح‌شده در این زمینه می‌باشد. هدف این پژوهش طراحی سازوکار ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر توسعه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی به مطالعه می‌باشد. در این تحقیق ابتدا با بهره‌گیری از روش کیفی مؤلفه‌های مؤثر فرهنگی بر مشارکت دانش‌جویان شناسایی و اولویت‌بندی شد، پس از آن با به‌کارگیری روش کمی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و نمونه‌ی آماری ۳۸۱ نفر از دانش‌جویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، به عنوان مطالعه‌ی موردی تحقیق داده‌های آماری جمع‌آوری شد و با کمک نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس یافته‌های این پژوهش مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی وضعیت مطلوبی ندارد و شکل‌گیری فرآیندهای غیر تعاملی، عدم تمایل به کار گروهی، تمرکزگرایی دانشگاه‌ها، نبود ساختارهای مناسب مشارکتی در کنار ضعف مؤلفه‌های فرهنگی از موانع مهم آن به شمار می‌آیند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ۴۲ مؤلفه‌ی فرهنگی

^۱ دکترای مدیریت آموزش عالی، رشته‌ی مدیریت آموزش عالی، دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسؤل).
Ha.vaezi88@gmail.com

^۲ دکترای مدیریت، رشته‌ی مدیریت آموزش عالی، دانشکده‌ی علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
Alavishad@gmail.com

و اجتماعی در ۴ بعد نهادی (۱۲ مؤلفه)، بعد نگرشی (۱۳ مؤلفه)، بعد رفتاری (۸ مؤلفه) و بعد ارزشی (۹ مؤلفه) بر ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران مؤثر می‌باشند، تقویت این مؤلفه‌ها در چارچوب سازو کار پیشنهادی این تحقیق می‌تواند به ارتقای نظام مدیریت دانشگاهی در قالب یک «نظام شورایی» منجر شود.

واژه‌های کلیدی: مشارکت؛ نظام مدیریت دانشگاهی؛ حوزه‌های عملکردی دانشگاه؛ مؤلفه‌های فرهنگی.

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت دانش‌جویان به‌عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفعان نهاد دانشگاه از سه منظر یادگیرندگان، جامعه‌ی دانشگاهی و شهروند^۱ قابل بررسی است (الکساندر و مانولچیو^۲، ۲۰۲۰: ۱۱۴۸). مطالعات نشان می‌دهد مشارکت به‌عنوان شهروند، به معنای حضور جدی و شرکت آگاهانه، ارادی، مؤثر، فعال و سازمان‌یافته‌ی دانش‌جویان در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اداره امور دانشگاه می‌باشد که نتایج بسیاری را در پی خواهد داشت، این موضوع برای دانش‌جویان افزایش عزت نفس، تقویت تعاملات اجتماعی، کسب تجربه و مهارت، یادگیری از همتایان^۳ و برای دانشگاه افزایش کیفیت و ضمانت اجرایی تصمیمات، کاهش مخاطرات و مقاومت در برابر تصمیم‌گیری و برای جامعه ارتقای شاخص‌های مردم‌سالاری می‌باشد (کولین^۴، ۲۰۱۹: ۵).

«نظام مدیریت دانشگاهی» یکی از ساختارهای مهم سازمان‌دهنده، هماهنگ‌کننده و ناظر فرآیندهای حوزه‌های عملکردی دانشگاه است که به‌عنوان بازوی اجرایی «حکمرانی دانشگاهی» با بهره‌گیری از منابع، هدایت فعالیت‌ها، تعاملات و تصمیمات در دانشگاه، زمینه‌ی اجرای قوانین و مقررات، سیاست‌ها و راهبردهای کلی نظام آموزش عالی را فراهم می‌آورد و زمینه‌ای مناسب برای نقش-آفرینی مشارکتی دانش‌جویان به صورت یک شهروند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. در این میان هر چند یک درک عمومی و نظری در خصوص اینکه دانش‌جویان به‌عنوان بخشی از موجودیت دانشگاه باید بیشتر در امور مدیریت دانشگاه مشارکت داده شوند، وجود دارد و تلاش-های بسیاری در این خصوص صورت گرفته و در حال انجام است، ولی هنوز میزان مشارکت

¹ learners, members of the academic community and citizen

² Alexander and Manolchev

³ Peer learning

⁴ Colin

دانش‌جویان به خصوص در «نظام مدیریت دانشگاهی» در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته است (آهنچیان، ۱۳۹۲: ۱۴).

در آموزش عالی ایران «نظام مدیریت دانشگاهی» ساختار بیش از اندازه هرمی و متمرکز به خود گرفته و فضای مداخله‌ی حداقلی را برای ذی‌نفعان بالاخص دانش‌جویان به وجود آورده که این موضوع برخی حوزه‌های عملکردی دانشگاه‌ها را با کاهش کیفیت در تصمیم‌سازی، چالش در اجرای تصمیمات و ناکامی در پایش و نظارت بر نتایج و پیامدهای تصمیمات به‌خصوص حوزه‌های مرتبط با دانش‌جویان روبه‌رو ساخته است. این در حالی است که اگر دانش‌جویان به‌عنوان بخشی از کنش‌گران نظام علمی و تحقیقاتی کشور، به هر دلیلی احساس خوداثربخشی^۱ و نقش-آفرینی در نظام آموزش عالی را نداشته باشند، بخش عمده‌ای از فرآیند آموزش، تولید و مبادله علم در کشور مخدوش خواهد شد که اگر برای آن چاره‌اندیشی نشود، در آینده‌ای نزدیک دانشگاه‌ها را از درون تهی، دانش‌جویان را بی‌انگیزه و جامعه را به رخوتی فراگیر دچار خواهد نمود. از طرفی دانشگاه‌ها، دریافته‌اند که نمی‌توانند با به‌کارگیری ساختارها، رویکردها و راهبردهای سنتی اداری امور دانشگاه، پاسخ‌گوی نیاز و انتظارات امروزی و به‌هنگام ذی‌نفعان خود باشند، لذا به دنبال تجدید نظر در رویه‌ها و اصلاح سیاست‌های پیشین و نظام مدیریت خود به‌خصوص در آن بخش که از سوی نظام آموزش عالی کشور به آن‌ها تفویض شده، هستند. از این رو سازمان‌دهی، هماهنگی و انسجام فعالیت‌های دانش‌جویی در قالب یک ساختار هم‌سو و اثربخش مشارکتی مبتنی بر مؤلفه‌های کلیدی آزموده‌شده، در کشور ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، هدف این تحقیق طراحی سازوکاری برای ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر توسعه-ی کلیدی ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی کدامند؟ وضعیت موجود ی مؤلفه‌های فرهنگی بوده و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات بوده است که مؤلفه‌های فرهنگی کلیدی ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی کدامند؟ وضعیت موجود مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی شده چگونه است؟ مهم‌ترین پیشرانها و تسهیل‌کننده‌های فرهنگی ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران کدامند؟ مناسب‌ترین سازوکار برای ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران مبتنی بر توسعه‌ی فرهنگی چگونه است؟

¹ Self-efficacy

پیشینه‌ی پژوهش

«اکساندر و مانولچو»^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ی دانشگاه‌های آینده، مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی را یکی از ویژگی‌های ممتاز دانشگاه‌های نسل آینده برشمرده و آن را راهکاری مناسب برای اثربخشی، کیفیت و مشروعیت تصمیمات برای دانشگاه و پرورش شهروندان مشارکت‌جو و توسعه‌ی مردم سالاری در جامعه و رای از جنسیت آن‌ها دانسته است (اکساندر و مانولچو، ۲۰۲۰: ۱۱۴۸). «هریسون»^۲ (۲۰۲۰) در رویکرد جدید توسعه، اساساً توسعه‌ی مناسب را توسعه‌ای ماهیتاً فرهنگی می‌داند و تمرکز بیش از حد دانشگاه‌ها بر امور آموزشی و پژوهشی و فقدان سازوکارهای مشخص مشارکتی را از علل کندی توسعه‌ی مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی در سال‌های اخیر دانسته است (هریسون، ۲۰۲۰: ۱۹۸۸). «تامرات»^۳ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ی ضرورت‌های مشارکت دانش‌جویان در حاکمیت دانشگاه به این نتیجه رسیده که مدیران دانشگاه نسبت به شکلی از فعالیت‌های دانش‌جویی که تحت مدیریت آن‌ها قرار نمی‌گیرند محتاط هستند. «ژیکینگ و ریوژانگ»^۴ (۲۰۱۹) وجود قوانین و مقررات تشویقی در حمایت از مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی را عاملی ضروری برای دانشگاه‌های امروزی دانسته است. «کیوبا»^۵ (۲۰۱۸) عقیده دارد مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی متأثر از بافت فرهنگی، ظرفیت‌های تشکلی دانش‌جویی، پویایی فضای دانشگاه، سابقه‌ی فعالیت‌های موفق مشارکتی و نگرش و ذهنیت دانش‌جویان نسبت به نتایج حاصل از مشارکت می‌باشد (تامرات، ۲۰۱۹: ۲۹؛ ژیکینگ و ریوژانگ، ۲۰۱۹: ۱۲۲ و کیوبا، ۲۰۱۸: ۶۸). یافته‌های مطالعات «کوماراسوامی»^۶ (۲۰۱۹) نشان داد که توسعه‌ی مشارکت دانش‌جویان باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی و کاهش مرزبندی میان ذی‌نفعان داخلی شده و علاوه بر یادگیری نقش‌پذیری، پیشرفت تحصیلی، توسعه‌ی اجتماعی و موفقیت‌های شغلی آن‌ها را نیز تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهد (کوماراسوامی، ۲۰۱۹: ۳۷۵). «علوی شاد» (۱۳۹۹) در مطالعه‌ی نقش دمکراتیزه-سازی نظام مدیریت دانشگاهی برای آموزش عالی باکیفیت نتیجه می‌گیرد مشارکت‌پذیری نظام‌های

¹ Alexander and Manolchev

² Harrison

³ Tamrat

⁴ Zhiqiang and Ruizhong

⁵ Kouba

⁶ Kumaraswamy

مدیریت دانشگاهی علاوه بر کاهش ریسک تصمیم‌گیری، تسهیل در اجرای تصمیمات، کاهش هزینه‌ی مبادله باعث ارتقای بهره‌وری فرآیندهای عملکردی دانشگاه شده و از نظر روان‌شناختی به تقویت خودباری و اعتماد به نفس دانش جویان منجر می‌گردد (علوی شاد، ۱۳۹: ۲۰). «میوری»^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به تأثیر مشارکت دانش جویان اشاره می‌کند و تأکید دارد، دانش جویان که در فعالیت‌های دانشگاهی درگیر هستند علاوه بر عملکرد تحصیلی بهتر، تعهد عاطفی و توان‌مندی روان‌شناختی بالاتری نسبت به دیگر دانش جویان دارند (میوری، ۲۰۱۸: ۷). «صالحی و همکاران» (۱۳۹۲) مشارکت به پرورش خلاقیت دانش جویان کمک شایانی می‌نماید (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹). «پلانز^۲ و همکاران» (۲۰۱۱) بر این نکته تأکید دارند که برنامه‌های پیشبردی و ترویجی جهت ترغیب نمایندگان دانش جویان به منظور حضور فعال‌تر و نقش‌پذیری بیشتر در جلسات تصمیم‌گیری دانشگاه مورد توجه قرار گیرد (پلانز، ۲۰۱۱: ۵۷۹). «مرسر^۳» (۲۰۱۸) در مطالعه‌ی خود بیان نموده، علی‌رغم قدرت عددی دانش جویان به‌عنوان یک ذی‌نفع مهم در جامعه‌ی دانشگاهی، فضای مشارکتی لازم به آن‌ها داده نشده است (مرسر، ۲۰۱۸: ۱۵). «بین‌کا»^۴ (۲۰۱۴) در تحقیقی در خصوص مشارکت دانش جویان در مدیریت دانشگاه‌ها نشان داد مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری باعث احساس خودهدایتی^۵ آن‌ها شده است (بین‌کا، ۲۰۱۴: ۱۲۷).

چارچوب مفهومی پژوهش

مبانی نظری این تحقیق در سطح خرد مبتنی بر نظریه‌های مرتبط با عوامل «انسانی» و در سطح کلان مرتبط با عوامل «ساختاری» می‌باشد. نظریه‌هایی مورد استناد در هر دو سطح به دلیل توانایی، درهم‌تنیدگی و حمایت از یکدیگر به‌صورت هدف‌مند انتخاب شده‌اند.

در سطح خرد، در چارچوب مبتنی بر عوامل «انسانی» در نظریه‌هایی که به عامل «شناختی» توجه می‌نمایند، فرض بر این است که «مشارکت دانش جویان در نظام مدیریت دانشگاهی» به‌عنوان یک «کنش اجتماعی» تحت تأثیر وجوه مختلف شخصیتی و فرهنگی آن‌ها می‌باشد. لذا اعتقادات، باورها، جهت‌گیری، اندیشه، تصور، پنداشت و نوع عقیده و نظر آنان بر شکل‌گیری، میزان و نحوه‌ی مشارکت مؤثر می‌باشد و نظریه‌هایی که به عامل «رفتاری» تأکید دارند، فرض بر کسب منافع و

¹ Murray

² Planas and et al.

³ Mercer

⁴ Yinka

⁵ Self-direction

سود و زیان حاصل از «مشارکت» توسط دانش‌جویان می‌باشد. از این رو بنا بر نظریه‌ی «عمل منطقی - فیشرین و آجزن»^۱ (۱۹۶۷) دانش‌جویان بر اساس نگرش‌های گذشته و نیت‌های رفتاری، عمل می‌نمایند. تصمیم آن‌ها برای مشارکت بر مبنای نتایجی است که انتظار دارند در نتیجه‌ی آن روی دهد و مهم‌ترین عامل قصد دانش‌جویان است که ترکیبی از نگرش و هنجارهای ذهنی نسبت به مشارکت می‌باشد. بر اساس نظریه‌ی «مبادله‌ی اجتماعی - هومنز»^۲ (۱۹۷۶) صرف‌نظر از داوطلبانه‌بودن مشارکت تا هنگامی که مزایای این مشارکت فراتر از هزینه‌های آن باشد گسترش می‌یابد (ریتزر^۳، ۱۹۹۴: ۴۲۳ و هاگر، ۲۰۱۹: ۱۹). به استناد نظریه‌ی «کنش ارتباطی - هابرماس»^۴ (۱۹۸۱) مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی نوعی کنش اجتماعی معطوف به حصول تفاهم است؛ لذا دانش‌جویان در حوزه‌های عملکردی از طریق یک بستر فرنگی پویا، وفاق و همکاری با یکدیگر تعامل نموده تا بدون اجبار و اضطراب بتوانند مسائل مورد علاقه‌ی خود را در کنار منافع و مصالح عمومی دانشگاه حل و فصل نمایند. این امر زمانی امکان‌پذیر است که تضمین‌های لازم برای تعامل، همکاری و ابراز افکار به صورت آزادانه برای آن‌ها فراهم باشد (ستاری، یردانی و فرازی، ۱۳۹۶). همچنین به استناد نظریه‌ی «کنش جمعی - اولسون»^۵ (۱۹۷۱) دانش‌جویان، به دلیل منافع مشترک با یکدیگر مشارکت می‌کنند؛ چراکه این نوع از مشارکت غیر رقابتی بوده و مشارکت یک دانش‌جو در حوزه‌های عملکردی دانشگاه، امکان مشارکت را برای سایر دانش‌جویان کاهش نمی‌دهد و هیچ دانش‌جویی مستثنی از این مشارکت نیست. بر اساس نظریه‌ی «انتخاب عمومی - بوکانان و تالوک»^۶ (۱۹۶۵) دانش‌جویان با مشارکت در نظام مدیریت دانشگاهی به‌طور منطقی «هزینه‌های عدم مشارکت» را مد نظر قرار می‌دهند. همچنین به استناد نظریه‌ی «مشارکتی - ترنر»^۷ (۱۹۸۶) نیز هنگامی که تصمیم‌گیری‌ها در حاکمیت دانشگاهی بدون حضور دانش‌جویان صورت پذیرد بسیاری از نیازهای واقعی آن‌ها نهفته و مغفول می‌ماند. بنا بر نظریه‌ی «خودتعیین‌کنندگی - رایان و دسی»^۸ (۱۹۸۵) نیز دانش‌جویان به‌طور طبیعی در جست-

¹ Fishbein and Ajzen

² Exchange - Homans theory

³ Ritzer

⁴ Habermas -Communication Action Theory

⁵ Olson -Collective Action Theory

⁶ Buchanan and Tullock-Public Choice Theory

⁷ Turner Participatory Theory

⁸ Ryan & Deci Self-Determination Theory

وجوی رشد و بهزیستی و تلاش برای رسیدن به سطح بالایی از انگیزه می‌باشند. از این رو مشارکت در نظام مدیریت دانشگاهی تا حدودی به برآورد نیازهای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی آنان شامل شایستگی، ارتباط و خودمختاری و در نتیجه ارتقای خودانگیزگی و تجربه‌ی احساس بهزیستی روانی بیشتر خواهد شد. لذا انتظار می‌رود حضور دانش‌جویان در تصمیم‌گیری-ها، آن‌ها را کنجکاوتر، خلاق‌تر، مشتاق‌تر و هیجان‌زده‌تر نماید که خود باعث بهبود عملکرد و احساس هدف‌مندی بیشتر آن‌ها می‌شود (کازبیچ^۱، ۲۰۱۶: ۱۱۷؛ رضایی و موحدی، ۱۳۹۶: ۹۲ و کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴: ۴۵).

در سطح کلان، در چارچوب مبتنی بر عوامل «ساختاری» زمینه‌های مشارکت را فراهم می‌کند؛ بنا بر نظریه‌ی مردم‌سالاری، مشارکت دانش‌جویان در نهاد دانشگاه مبتنی بر دو اصل «نظارت همگانی بر تصمیم‌گیری جمعی» و «داشتن حق برابر در اعمال این نظارت» می‌باشد. بنا بر نظریه‌ی «میجلی^۲» (۱۹۸۶) بر اساس پاسخ حکم‌رانی دانشگاه به مشارکت، چهار نوع شیوه‌ی مشارکت؛ واقعی، هدایت‌کننده، فزاینده و ضد‌مشارکتی شکل می‌گیرد که هر یک از آن‌ها دانش‌جویان را به گونه‌ای خاص به مشارکت وا می‌دارد. بر اساس نظر «هان‌تینگتون و نلسون» (۲۰۰۰) عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و تشکل‌های دانش‌جویی احتمال مشارکت دانش‌جویان را در نظام مدیریت دانشگاهی افزایش می‌دهد. در این راستا بنا بر نظریه‌ی «مشارکت-دریسکل^۳» (۲۰۰۲) توسعه‌یافتگی دانشگاه‌ها می‌تواند مهم‌ترین عامل شکل‌گیری مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی باشد (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶: ۷۰؛ علوی شاد، ۱۳۹۹: ۲۰؛ دریسکل، ۲۰۰۲: ۱۵؛ وارنشتاین، ۱۹۶۹: ۲۱۹).

ارکان مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی

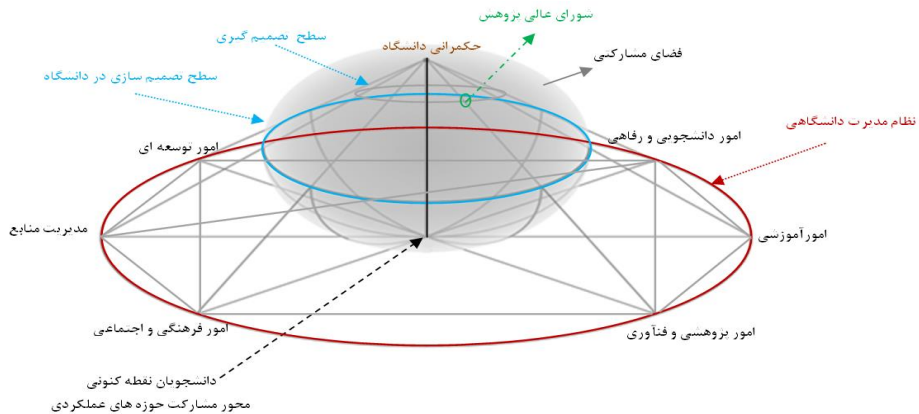
ورود به دانشگاه و زندگی دانش‌جویی بخش مهمی از تجربه‌ی زیسته‌ی بسیاری از افراد جامعه‌ی معاصر است. نقشی که دانش‌جویان در دانشگاه ایفا می‌کنند علاوه بر اینکه برای نظام آموزش عالی بسیار مهم است، معرف یک جامعه‌ی کارآمد و پویا نیز می‌باشد. «مشارکت دانش‌جویان»، به عنوان فرآیندی که طی آن حوزه‌های عملکردی متأثر از حضور و شرکت فعال، آگاهانه و مسئولانه‌ی دانش‌جویان است (اعتمادی فرد، ۱۳۹۶: ۹) و نیازمند یک نظام مدیریت دانشگاهی منعطف با

¹ Czech

² Midgley

³ Driskell

ساختاری فراگیر در سطوح مختلف عملیاتی تا عالی دانشگاه می‌باشد (کولینی، ۱۳۹۹: ۱۱). شکل -
گیری شوراهای مشارکتی^۱ در حوزه‌های عملکردی و تشکیل کمیته‌های مختلف تخصصی و
موضوع‌محور با مشارکت همه‌ی ذی‌نفعان دانشگاه راهکاری ساده اما اثربخش برای خلق فضای
فرهنگ مشارکتی در نهاد دانشگاه است.

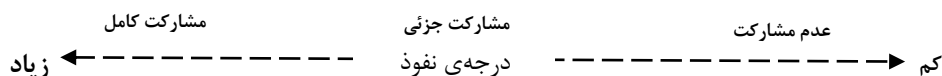


شکل شماره‌ی یک: فضای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی

در این راستا بستری که مشارکت دانش‌جویان در آن شکل می‌گیرد، تحت تأثیر پارامترها و عوامل
بسیاری از جمله انگیزه، موقعیت اجتماعی (پایگاه اجتماعی)، ویژگی‌های شخصیتی، محیط سیاسی،
مهارت، منابع (مالی، اطلاعاتی، فناوری و...) و فرهنگ همکاری می‌باشد (کالکو،^۲ ۲۰۱۷: ۹) که
مجموع آن‌ها نشان‌دهنده‌ی «درجه‌ی مشارکت دانش‌جویان» و میزان اعمال نفوذ، تأثیر و نظارت
آن‌ها در اتخاذ تصمیمات نظام مدیریت دانشگاهی می‌باشد. مشارکت دانش‌جویان ممکن است از
ارائه‌ی صرف یک نظر یا عقیده شروع و به عضویت در یک گروه کاری ختم شود. مشارکت
دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی را می‌توان به پنج درجه‌ی کلی تقسیم کرد. حالت
غیرتعاملی که بیان‌گر وضعیتی است که در فرآیندهای کاری از سبک‌های دستوری یا تشویقی
استفاده می‌شود. حالت پیشنهاددهی که مشارکت از طریق سازوکارهایی مانند پیشنهادها و حلقه-
های بهبود کیفیت صورت می‌پذیرد. حالت مشارکت بر مبنای مشورت که از طریق تعامل مشترک
با ذی‌نفعان به طور انفرادی یا گروهی انجام می‌گیرد.

¹ Participatory councils

² Collaço



غیرتعاملی - پیشنهاددهی - مشورتی - تعامل دوجانبه - تیم‌کاری

شکل شماره‌ی دو: نمودار درجه مشارکت دانشجویان

حالت تعامل دوجانبه که دانش‌جویان از طریق نمایندگان خود اقدام به مشارکت در امور می‌کنند و حالت تیم‌های کاری درجه‌ی کاملی از مشارکت را دارا هستند که دانش‌جویان با دیگر ذی‌نفعان داخلی در گروه‌های کوچک و در چارچوب تعیین‌شده صورت می‌پذیرد. تیم‌های کاری نیمه‌مستقل و تیم‌های خودگردان، نمونه‌هایی از این نوع مشارکت محسوب می‌شوند (ترو، ۱۳۹۷: ۹۲).

روش‌شناسی پژوهش

از آن‌جاکه تحقیق حاضر، به دنبال توسعه‌ی نظام مدیریتی در دانشگاه است، از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت «آمیخته اکتشافی»^۱ می‌باشد. مراحل انجام آن در چهار گام صورت پذیرفته است: گام اول: «مرور سیستماتیک» مطالعات و تحقیقات انجام‌شده به منظور احصاء، مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر در ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی مطابق با معیارهای تعریف‌شده، گام دوم: شناسایی وضعیت موجود مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی به صورت مطالعه‌ی موردی بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی‌شده و تعیین پیشران‌ها و تسهیل‌کننده‌ها از دیدگاه جامعه‌ی آماری تحقیق از طریق پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته گام سوم: طراحی سازوکار مناسب ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی بر اساس یافته‌های تحقیق می‌باشد.

در بخش کیفی، واحد مطالعه، شامل کلیه‌ی مطالعات انجام‌شده‌ی داخلی و خارجی مرتبط با مسأله‌ی تحقیق می‌باشد. روش نمونه‌گیری نیز در این بخش هدف‌مند قضاوتی^۲ (غیراحتمالی به صورت عمدی و غیرتصادفی) است. برای انتخاب مطالعات انجام‌شده با اقتباس از چک لیست استاندارد کانسورت^۳ (۲۰۱۸) و دستورالعمل سیمونز^۴ معیارهای ارزیابی مشخص و مطالعات

^۱ Exploratory Research

^۲ Purposive sampling

^۳ Concert

^۴ Simmons Instructions

تکراری و همپوشان حذف گردیدند. تکنیک گردآوری داده‌های آماری در این بخش به صورت کتاب‌خانه‌ای، ابزار آن به صورت فیش‌برداری و روش آن به صورت «مرور سیستماتیک»^۱ (نظام‌مند یا ساختار یافت) مطالعات انجام‌شده بوده است. پس از جست‌وجوی منابع اطلاعاتی، تعداد ۴۱ مطالعه (در قالب مقالات علمی و پژوهشی) یافت شد که از این تعداد، پس از غربال‌گری (حذف ۸ مورد با ارزیابی کیفی پایین و حذف ۱۰ مورد تکراری و همپوشان) ۲۳ مطالعه مطابق معیارهای تعریف‌شده به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. از این تعداد روش تحقیق ۱۰ مطالعه (۴۴ درصد) به صورت کیفی، ۷ مطالعه (۳۰ درصد) به صورت کمی و تعداد ۶ مطالعه (۲۶ درصد) به صورت آمیخته بود. جهت تعیین «گروه خبرگان» نمونه‌ای ۱۷ نفره از افراد مطلع و علاقمند به همکاری فعال در زمینه‌ی علمی و اجرایی در حوزه‌ی آموزش عالی به صورت هدف‌مدار به روش همگون^۲ از میان چهار گروه اعضای هیأت علمی و مدیران اجرایی دانشگاه‌ها، اعضای دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مدیران وزارت علوم تحقیقات و فناوری (با شرط علاقمندی به همکاری) انتخاب گردیدند. در مرور سیستماتیک مطالعات آماری ابتدا تعداد ۵۱ مؤلفه شناسایی، احصا و کدگذاری گردید. از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته^۹ با گروه خبرگان» در نهایت ۴۲ مؤلفه مورد تأیید قرار گرفت. جهت اولویت‌بندی مؤلفه‌های شناسایی‌شده از اجماع نظر خبرگان به روش دلفی فازی استفاده گردید. برای این منظور فهرست مؤلفه‌های شناسایی‌شده در سه مرحله در اختیار گروه خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها درخواست شد تا با استفاده از متغیرهای کلامی میزان درجه‌ی اهمیت هریک از مؤلفه‌ها را مشخص نمایند. نظر خبرگان در قالب متغیرهای کلامی به صورت عدد فازی مثلثی برای هریک از مؤلفه‌های شناسایی‌شده تعریف گردید؛ به نحوی که مؤلفه j ام با سه عدد حقیقی به صورت عدد فازی $f_j = (l_j, m_j, u_j)$ مشخص گردید که در آن (u) کران بالایی (بیشینه مقداری که عدد فازی f در خصوص مؤلفه‌ی j ام می‌تواند اختیار کند)، (l) کران پایینی (کمینه مقداری که عدد فازی f در خصوص مؤلفه‌ی j ام می‌تواند اختیار کند) و مقدار (m) کران میانی (محتمل‌ترین مقداری که عدد فازی f در خصوص مؤلفه‌ی j ام می‌تواند اختیار کند) می‌باشد. با توجه به تابع عضویت عدد فازی مثلثی:

¹ Systematic Review

² Sampling Homogeneous

$$\mu_f(x) = \begin{cases} \frac{x-l}{m-l} & l < x < m \\ \frac{u-x}{u-m} & m < x < u \\ 0 & \text{در غیر اینصورت} \end{cases} \quad (1)$$

و به منظور مقایسه‌پذیری و تشخیص درک مشترک گروه خبرگان از هر مؤلفه، عدد فازی مثلثی با استفاده از فرمول مینکوسکی^۱ به اعداد قطعی تبدیل (عمل فازی زدایی^۲) و محاسبه شدند:

$$x = l + \frac{u-m}{4} \quad (2)$$

در مرحله‌ی اول اهمیت ۱۴ مؤلفه مشخص گردید، در مرحله‌ی دوم ضمن اعمال نظرات اصلاحی گروه خبرگان، لیست اصلاحی در اختیار هریک از اعضای قرار گرفت. نتایج اخذ شده تحلیل و میزان اختلاف مرحله‌ی اول و دوم مشخص گردید. سپس مجدداً در اختیار گروه خبرگان قرار گرفت و سرانجام در این مرحله اولویت مؤلفه‌ها مطابق مورد توافق قرار گرفت جدول شماره یک

جدول شماره‌ی یک- اولویت مؤلفه‌های نهایی مورد توافق گروه خبرگان

میانگین فازی زدایی	میانگین فازی مثلثی (l,m,u)			مؤلفه
۰/۷۴	۰/۷۴	۰/۹۹	۱	۱. میزان تعهد عاطفی و توان‌مندی روان‌شناختی در میان دانش‌جویان
۰/۷۳	۰/۷۴	۰/۹۹	۱	۲. تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با بهره‌گیری از گستره و تنوع افکار عقاید و نظرات
۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۹۶	۰/۹۹	۳. توسعه و تقویت فرآیندهای بهره‌گیری از خرد جمعی در دانشگاه
۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۹۶	۰/۹۹	۴. ارزش‌گذاری تصمیمات جمعی در مقابل با تصمیمات فردی
۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۹۷	۰/۹۹	۵. مشروعیت‌بخشیدن به روحیه‌ی همکاری و حس مسؤلیت‌پذیری دانش‌جویان
۰/۷۱	۰/۶۹	۰/۹۴	۱	۶. ارزش‌های اعتقادی و باورهای دینی در همکاری و مشورت در میان دانش‌جویان
۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۹۶	۰/۹۹	۷. استقرار نظام‌های مشارکتی (نظام پیشنهادها، ایده‌پردازی و..)
۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۹۶	۰/۹۹	۸. حمایت از فعالیت‌های تعاملی، گروهی و تشکیلاتی
۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۹	۹. افزایش تحرک و نشاط اجتماعی دردانشگاه
۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۹	۱۰. اجرای استراتژی‌های توسعه‌ی اجتماعی در دانشگاه
۰/۷۰	۰/۶۴	۰/۹۴	۰/۹۹	۱۱. افزایش سطح اقتناع‌گرایی در میان دانش‌جویان
۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۹۳	۰/۹۷	۱۲. توزیع متناسب قدرت و ارتقای سازوکارهای مشارکتی

¹ Minkowski

² Defuzzification

۰/۷۰	(۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۹)	۱۳. ترویج فرهنگ مشارکت‌پذیری و انحصارزدایی
میانگین فازی زدایی		میانگین فازی مثلثی (<i>l, m, u</i> ,)				مؤلفه
۰/۷۰	(۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۹)	۱۴. کیفیت برگزاری انتخابات تشکلی ها، شوراها و انجمن‌های دانش‌جویی
۰/۷۰	(۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۷)	۱۵. تقویت هنجارهای مشارکت‌جویی دانش‌جویان در دانشگاه
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۷)	۱۶. هویت‌بخشی به فعالیت‌های داوطلبانه‌ی دانش‌جویان
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۱)	۱۷. نگرش و پنداشت اثربخشی دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۱۸. اعتقاد رییس دانشگاه به افزایش اثربخشی، کیفیت و مشروعیت تصمیمات
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۱۹. تقویت انسجام فرهنگی دانش‌جویان با دیگر ذی‌نفعان داخلی دانشگاه
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۷)	۲۰. سودمندی ادراک‌شده دانش‌جویان به شرکت تصمیم‌گیری مشارکتی
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۲۱. سطح توسعه‌یافتگی گفت‌وگوهای دانش‌جویی در کلاس جهانی
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۲۲. آشنایی دانش‌جویان با وظایف، مسؤولیت‌ها و جایگاه‌های مدیریتی
۰/۶۹	(۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۷)	۲۳. درک و بینش نسبت به تفکر توسعه‌ای و توسعه‌ی مشارکتی
۰/۶۸	(۰/۶۶	۰/۹۱	۰/۹۶)	۲۴. تقویت نگرش اعتماد به کفایت آگاهی‌های دانش‌جویان
۰/۶۸	(۰/۶۸	۰/۹۱	۰/۹۴)	۲۵. توسعه‌ی منافع و حفظ جایگاه، نفوذ و منزلت اجتماعی دیگر ذی‌نفعان دانشگاه
۰/۶۸	(۰/۶۶	۰/۹۱	۱)	۲۶. پذیرش مشارکت به‌عنوان ارزش و سرمایه‌ی فرهنگی در دانشگاه
۰/۶۸	(۰/۶۶	۰/۹۱	۱)	۲۷. وجود نمادهای همبسته فرهنگی - اجتماعی در گرایش به همکاری‌های جمعی
۰/۶۸	(۰/۶۶	۰/۹۱	۱)	۲۸. تکریم شخصیت دانش‌جویان فعال در تعمیم فرهنگ مردم‌سالاری
۰/۶۷	(۰/۶۳	۰/۸۷	۰/۹۳)	۲۹. پویایی، چابکی و انعطاف‌پذیری ساختار دانشگاه
۰/۶۷	(۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۰. حمایت از روحیه‌ی رقابت‌طلبی، هم‌دلی و سازگاری اجتماعی در دانشگاه
۰/۶۷	(۰/۶۶	۰/۹۱	۰/۹۶)	۳۱. پیشگیری از تعارض منافع ذی‌نفعان و ائتلاف مطلوبیت‌ها و منافع
۰/۶۷	(۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۲. تشویق یادگیری مهارت‌های کار تیمی، تفکر جمعی و مطالبه‌گری
۰/۶۷	(۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۳. بهره‌گیری از تجربیات و دانش صریح دانش‌جویان در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی
۰/۶۷	(۰/۶۵	۰/۹۰	۰/۹۹)	۳۴. آزادی علمی و فضای آزاداندیشی و اظهار نظر در دانشگاه
۰/۶۷	(۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۵. اخلاق‌مداری و گسترش اخلاق حرفه‌ای در فرآیندهای دانشگاه
۰/۶۶	(۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۱)	۳۶. تصمیم‌گیری اقتضایی متناسب با تغییر و تحولات محیطی
۰/۶۶	(۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۹۹)	۳۷. آشنایی دانش‌جویان با توان‌مندی‌ها، امکانات و فرآیندهای اداره‌ی دانشگاه‌ها
۰/۶۶	(۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۹۹)	۳۸. عدم جهت‌گیری ارزشی به فردگرایی و تقدیرگرایی در میان دانش‌جویان
۰/۶۵	(۰/۶۲	۰/۸۵	۱)	۳۹. ثبت و ارزش‌گذاری سوابق فعالیت‌های مشارکتی دانش‌جویان در امور مدیریتی
۰/۶۵	(۰/۶۲	۰/۸۷	۰/۹۲)	۴۰. تیم‌سازی و طراحی شبکه‌های فعالیت‌های گروهی در دانشگاه
۰/۶۴	(۰/۶۱	۰/۸۵	۰/۹۹)	۴۱. برانگیختگی و تعمیق تفکر انتقادی و هوشیارانه و هدف‌دار در میان دانش‌جویان
۰/۶۳	(۰/۶۰	۰/۸۴	۰/۹۹)	۴۲. برگزاری مسابقات و برنامه‌های همکاری‌های جمعی

با توجه به ماهیت و اولویت مؤلفه‌ها، آن‌ها در بُعد دسته‌بندی گردیدند (جدول شماره ۱ دو). در بخش کمی به منظور شناسایی وضعیت موجود، روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی انتخاب گردید. جامعه‌ی آماری در این بخش شامل ذی‌نفعان داخلی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات (اعضای هیأت علمی، دانش‌جویان و کارکنان) می‌باشد. بنا بر اطلاعات اخذشده از معاونت آموزشی دانشگاه، جامعه‌ی آماری در این واحد دانشگاهی در نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به صورت جدول شماره ۱ سه می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از روش طبقه‌ای نسبی استفاده شد، با توجه به ساخت ناهمگن و نامتجانس جامعه‌ی آماری از هر طبقه یک نمونه‌ی تصادفی به نسبت تعداد افراد جامعه با استفاده از جدول مورگان انتخاب گردید.

جدول شماره ۱ دو- ابعاد ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی

<p>تقویت هنجارهای مشارکت‌جویی دانش‌جویان در دانشگاه تقویت انسجام فرهنگی میان دانش‌جویان با دیگر ذی‌نفعان داخلی دانشگاه اجرای استراتژی‌های توسعه‌ی اجتماعی در دانشگاه اعتقاد رییس دانشگاه به افزایش اثربخشی، کیفیت و مشروعیت تصمیمات توزیع متناسب قدرت و ارتقای سازوکارهای مشارکتی سودمندی ادراک‌شده‌ی دانش‌جویان به شرکت تصمیم‌گیری مشارکتی آشنایی دانش‌جویان با وظایف، مسؤولیت‌ها و جایگاه‌های مدیریتی ارزش‌های اعتقادی و باورهای دینی در همکاری و مشورت در میان دانش‌جویان پویایی، چابکی و انعطاف‌پذیری ساختار دانشگاه آزادی علمی و فضای آزاداندیشی و اظهار نظر در دانشگاه استقرار نظام‌های مشارکتی (نظام پیشنهادها، ایده‌پردازی و..) توسعه و تقویت فرآیندهای بهره‌گیری از خرد جمعی در دانشگاه</p>	<p>بُعد نهادی (ساختارها، عقاید و باورها)</p>
--	---

<p>گرایش (علاقه و گرایش‌ها)</p>	<p>ترویج فرهنگ مشارکت‌پذیری و انحصارزدایی تقویت نگرش اعتماد به کفایت آگاهی‌های دانش‌جویان توسعه منافع و حفظ جایگاه، نفوذ و منزلت اجتماعی دیگر ذی‌نفعان در دانشگاه حمایت از روحیه‌ی رقابت‌طلبی، هم‌دلی و سازگاری اجتماعی در دانشگاه بهره‌گیری از تجربیات و دانش صریح دانش‌جویان در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی مشروعیت‌بخشیدن به روحیه‌ی همکاری و حس مسؤولیت‌پذیری دانش‌جویان برانگیختگی و تعمیق تفکر انتقادی و هوشیارانه و هدف‌دار در میان دانش‌جویان نگرش و پنداشت اثربخشی دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی میزان تعهد عاطفی و توان‌مندی روان‌شناختی در میان دانش‌جویان درک و بیش‌نسبت به تفکر توسعه‌ای و توسعه‌ی مشارکتی افزایش سطح اقتناع‌گرایی در میان دانش‌جویان تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با بهره‌گیری از گستره و تنوع افکار عقاید و نظرت هویت‌بخشی به فعالیت‌های داوطلبانه‌ی دانش‌جویان</p>
<p>بعد رفتاری (رفتارها و آداب)</p>	<p>کیفیت برگزاری انتخابات‌ها، شوراها و انجمن‌های دانش‌جویی در دانشگاه پیشگیری از تعارض منافع ذی‌نفعان و ائتلاف مطلوبیت‌ها و منافع تکریم شخصیت دانش‌جویان فعال در تعمیم فرهنگ مردم‌سالاری تصمیم‌گیری اقتضایی متناسب با تغییر و تحولات محیطی تشویق یادگیری مهارت‌های کار تیمی، تفکر جمعی و مطالبه‌گری تیم‌سازی و طراحی شبکه‌های فعالیت‌های گروهی دانش‌جویان در دانشگاه حمایت از فعالیت‌های تعاملی، گروهی و تشکیلاتی آشنایی دانش‌جویان با توان‌مندی‌ها، امکانات و فرآیندهای اداره‌ی امور دانشگاه‌ها</p>
<p>بعد ارزشی (آیین و رسوم)</p>	<p>افزایش تحرک و نشاط اجتماعی در دانشگاه ارزش‌گذاری تصمیمات جمعی در مقابل با تصمیمات فردی اخلاق‌مداری و گسترش اخلاق حرفه‌ای در فرآیندهای دانشگاه توسعه‌ی گفتمان‌های دانش‌جویی در کلاس جهانی برگزاری مسابقات و برنامه‌های همکاری‌های جمعی ثبت و ارزش‌گذاری سوابق فعالیت‌های مشارکتی دانش‌جویان عدم جهت‌گیری ارزشی به فردگرایی و تقدیرگرایی در میان دانش‌جویان وجود نمادهای همبسته فرهنگی - اجتماعی در گرایش به همکاری‌های جمعی پذیرش مشارکت به‌عنوان ارزش و سرمایه‌ی فرهنگی در دانشگاه</p>

در این بخش گردآوری داده‌ها به صورت پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ی محقق- ساخته بوده است. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و برای

محاسبه‌ی آن واریانس کل آزمون محاسبه گردید که مقدار آن (۰/۸۷۳) می‌باشد. با توجه به مقدار مشاهده شده، پرسش‌نامه جهت انجام این تحقیق مناسب ارزیابی شد.

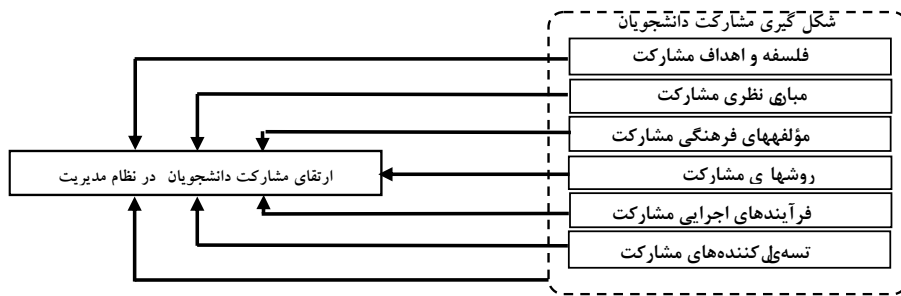
جدول شماره‌ی سه- جامعه‌ی آماری بخش کمی

جامعه‌ی آماری	تعداد	نمونه آماری
دانش‌جویان	۴۰۰۰ نفر	۲۷۶ نفر
اعضای هیأت علمی	۸۵۰ نفر	۵۸ نفر
کارکنان رسمی	۶۸۱ نفر	۴۷ نفر
مجموع	۵۵۳۱ نفر	۳۸۱ نفر

همچنین سنجش روایی پرسش‌نامه به صورت صوری و با اخذ نظر پنج نفر از اساتید دانشگاه صورت پذیرفت. برای محاسبه‌ی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. پرسش‌نامه نیز در سه بخش (ویژگی‌های عمومی، مؤلفه‌های شناسایی شده و مهم‌ترین موانع مشارکت دانش‌جویان) طراحی و به صورت حضوری در میان نمونه‌ی آماری توزیع و جمع‌آوری شد. پس از گردآوری ۳۸۱ پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت (اعضای هیأت علمی ۱۵۳ پرسش‌نامه، دانش‌جویان ۳۸۰ پرسش‌نامه و کارکنان ۲۰۱ پرسش‌نامه). کلیه‌ی اطلاعات به‌دست‌آمده با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آمار توصیفی نشان داد: ۲۳ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۴۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲۹ درصد دکترا بودند. همچنین ۳۳ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۶۷ درصد مرد بوده‌اند. متوسط سن پاسخ‌دهندگان ۴۴/۷ سال می‌باشد که ۴۵ درصد از آنان افراد ۴۴-۳۰ ساله بودند.

مدل مفهومی پژوهش

ساختار مفهومی در این تحقیق شامل فلسفه و اهداف شکل‌گیری مشارکت، مبانی نظری که حمایت‌کننده و توجیه‌کننده‌ی شکل‌گیری مشارکت، ابعاد و مؤلفه‌های موضوعی تقویت‌کننده و شکل‌دهنده‌ی مشارکت، روش‌های انجام مشارکت، فرآیندهای اجرایی مناسب و مورد نیاز مشارکت و درنهایت تسهیل‌کننده‌های شکل‌گیری مشارکت است که در قالب یک مدل شماتیک بصورت زیر ترسیم گردید.



شکل شماره ۳: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش (در بخش کمی):

مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دارای وضعیت مطلوبی است.

از نظر بعد نهادی، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

از نظر بعد نگرشی، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

از نظر بعد رفتاری، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

از نظر بعد ارزشی، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

در ابتدا از طریق آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف نرمال بودن هریک از متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده‌شده، تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند. لذا توزیع تمامی متغیرها در سطح نرمال است.

جدول شماره‌ی چهار- نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

ابعاد	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
بعد نهادی	۰/۰۵۲	نرمال
بعد نگرشی	۰/۰۷۵	نرمال
بعد رفتاری	۰/۰۶۳	نرمال
بعد ارزشی	۰/۰۸۰	نرمال

در نتیجه از آزمون t تک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد.

$$\begin{cases} H_0: \mu = \mu_0 \\ H_1: \mu \neq \mu_0 \end{cases}$$

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های گراوری شده (جدول شماره ی پنج) نشان می‌دهد با توجه مقدار سطح معنی‌داری برای تمام فرضیه‌ها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و میانگین‌ها کمتر از عدد ۳ می‌باشند؛ لذا فرض برابری واریانس‌ها یعنی فرض H_0 با در تمام فرضیه‌ها پذیرفته شد. در نتیجه با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که از نظر جامعه‌ی آماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات وضعیت مطلوبی در مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی ندارد.

جدول شماره‌ی پنج- نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ها	درجه‌ی آزادی	میانگین	آماره t تک نمونه‌ای	انحراف معیار	سطح معنی‌داری
فرضیه‌ی اول	۳۸۰	۲/۷۴۰	۴۸/۹۴۵	۳/۲۴۶	۰/۷۳۹
فرضیه‌ی دوم	۳۸۰	۲/۸۹۴	۳۰/۲۲	۵/۴۰۲	۰/۶۰۰
فرضیه‌ی سوم	۳۸۰	۲/۸۰۲	۱۹/۵۲۷	۶/۳۲۰	۰/۵۵۶
فرضیه‌ی چهارم	۳۸۰	۲/۰۱۲	۴۲/۱۹۵	۵/۸۴۲	۰/۶۵۵

همچنین میانگین نظری جامعه‌ی آماری حاکی از آن است که به ترتیب ابعاد نگرشی، نهادی، رفتاری و ارزشی بیشترین اهمیت را در ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی دارا می‌باشند (آزمون مجذور کای: ۱۶۲,۵۷۷، درجه آزادی= ۵ و $df=5$ و سطح معنی‌داری $p < 0.001$).

جدول شماره‌ی شش- اهمیت ابعاد از دید پاسخ‌دهندگان

رتبه	میانگین نظری	ابعاد
اول	۵/۸۰	بعد نگرشی
دوم	۴/۹۶	بعد نهادی
سوم	۳/۸۱	بعد رفتاری
چهارم	۳/۴۳	بعد ارزشی

در بخش سوم پرسش‌نامه از مجموع ۳۶ مانعی که برای ارتقای مشارکت دانش‌جویان توسط پاسخ‌دهندگان مطرح شده بود، تعداد ۱۱ مورد که بیشترین فراوانی را دارا بودند، انتخاب و به صورت مثبت در نظر گرفته شدند پیشران‌ها شامل: «شفافیت در فرآیندهای حوزه‌های عملکردی دانشگاه»، «الگوی تربیتی ارتباط محور دانش‌جویان»، «ایجاد و توسعه ساختارهای نهاد گرا و مشارکت محور در دانشگاه» و «ترویج و توسعه مشورت محوری و تصمیم‌گیری جمعی در حل مسائل» می‌باشند و تسهیل‌کننده‌ها شامل: «مهارت آموزشی، آگاهی بخشی و توانمندسازی دانش‌جویان»، «پویایی و حرکت بسوی دانشگاه‌های نسل آینده»، «نشاط، پویایی و خودباوری در میان دانش‌جویان»، «اعتماد و انسجام اجتماعی در میان ذینفعان دانشگاه»، «تقویت زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری تعاملی»، «تفویض اختیار و تمرکز زدایی تصمیمات در دانشگاه» و «تهیه و تنظیم قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی» در پایان سازوکار پیشنهادی بر اساس ادبیات موضوع و نظریه‌های بنیادی مشارکت بررسی شده، ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده، پیشران‌ها و نیز فلسفه و اهداف تدوین شده طراحی گردید (شکل شماره ۴ چهارم) تقویت مؤلفه‌های شناسایی شده در چارچوب این سازوکار پیشنهادی می‌تواند به ارتقای نظام مدیریت دانشگاهی در قالب یک «نظام شورایی» منجر گردد. در ادامه درجه‌ی تناسب آن با اهداف مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی با نظر سنجی از گروه خبرگان مورد سنجش و بر اساس میانگین تجربی مورد تأیید قرار گرفت.

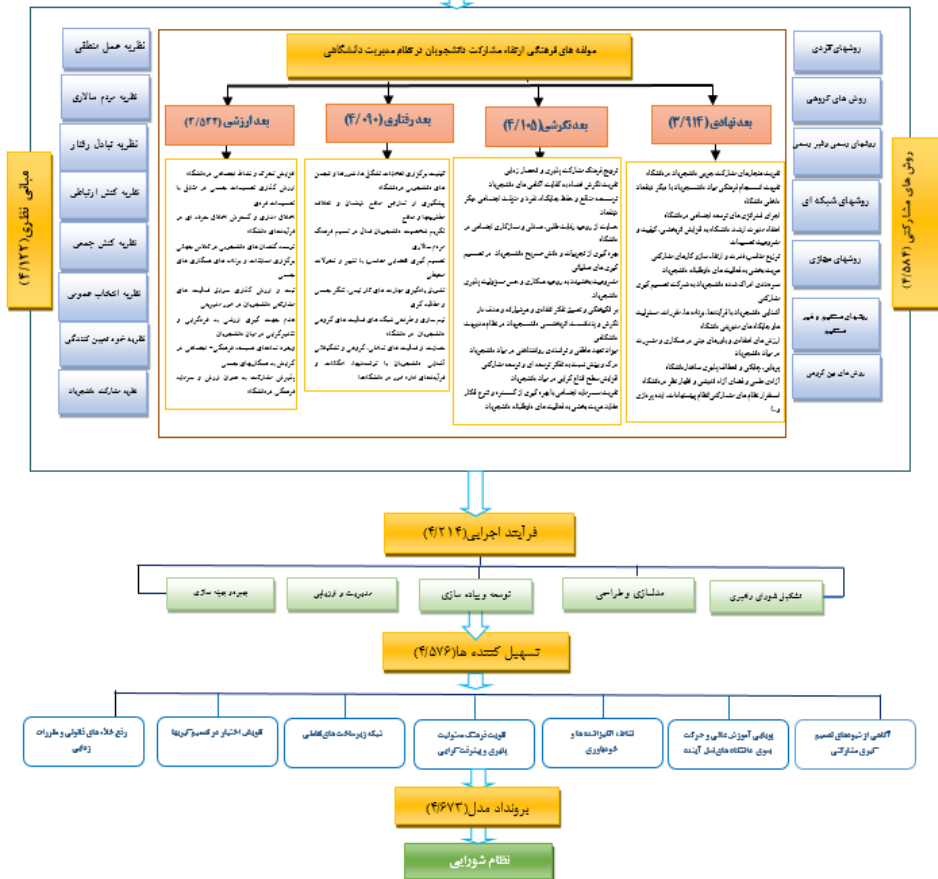
جدول شماره ی هفت- نتایج تناسب اجزای سازوکار پیشنهادی

سطح معناداری	درجه آزادی	میزان t	اختلاف میانگین	میانگین تجربی	میانگین نظری	اجزا
۰/۰۰۰	۱۶	۱/۵۳۷	۰/۶۲۲	۳/۶۲۲	۳	فلسفه و اهداف
۰/۰۰۰	۱۶	۰/۱۹۲	۰/۰۵۳	۳/۰۵۳	۳	مبانی نظری
۰/۰۰۱	۱۶	۲/۵۸۴	۰/۸۴۶	۳/۸۴۶	۳	روش های مشارکت
۰/۰۰۰	۱۶	۱/۰۵۰	۱/۸۵۳	۴/۸۵۳	۳	بعد نهادی
۰/۰۰۰	۱۶	۲/۳۸۵	۰/۹۱۴	۳/۹۱۴	۳	بعد نگرشی
۰/۰۰۰	۱۶	۲/۲۲۱	۱/۱۰۵	۴/۱۰۵	۳	بعد رفتاری
۰/۰۰۱	۱۶	۲/۱۱۶	۰/۵۳۲	۳/۵۳۲	۳	بعد ارزشی
۰/۰۰۰	۱۶	۲/۲۱۴	۱/۲۲۱	۴/۲۲۱	۳	فرآیند اجرایی
۰/۰۰۰	۱۶	۱/۵۷۶	۱/۱۳۱	۴/۱۳۱	۳	تسهیل کننده ها
۰/۰۰۰	۱۶	۰/۸۱۳	۱/۲۶۴	۴/۲۶۴	۳	پرونداد

فلسفه و اهداف (۲/۶۲۲)

مقتصدسازي حکمراني نهاد دانشگاه آزاد اسلامي علوم و تحقيقات به جهت تعالي راهبري، پاسخگويي به نيازهاي روزآمد و پيروي نيزي استاني، تعامل گرا، آزاد انديش، نقد و توسعه يافته، که با بهره گيري تعاملي ظرفيت ها، بهره مندي از خرد جمعي، پذيرش مسؤليت، هم انديشي، توسعه فرهنگ همکاري، همسوسازي اهداف، بصورت هم افزايي به حل مسائل بطور هدفمند و هوشمندانه اقدام نمايد.

- تبين جا يگاه و نقش واقعي دانشجويان در نظام مديريت دانشگاهي.
- تقويت ساختارهاي ارتباط تعاملي، درگيري و مشارکت دانشجويان در قرآيندهاي تصميم گيري دانشگاه
- اتخاذ تصميمات بهتر در پاسخگويي، مؤثر به تيازها و اولويت هاي جامعه تنوع دانشگاهي.
- اصلاح بيهوده امور و بهينه قرآيندهاي دانشگاهي از طريق هم افزايي و افزايش اقتصاد متقابل بين دانشجويان و ساير ذينفعان.
- افزايش درک عمومي و پيشيياتي از سياست ها و برتنامه هاي مديريت دانشگاهي.
- افزايش رويجه همکاري و تعلق بين دانشجويان و دانشگاه وهمسوسازي هدف هاي دانشجويان با اهداف دانشگاه.
- ايجاد مريت رقايتي براي دانشگاه و خلق فرصت هاي جديد به منظور افزايش مهارتها و توانمندی هاي دانشجويان.



شکل شماره‌ی چهار: ساز و کار ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی

یافته‌های پژوهش را می‌توان بدین شکل صورت‌بندی کرد:

- دانش‌جویان و تشکلهای دانش‌جویی به‌عنوان بخش مهمی از موجودیت دانشگاه سهم بسیار کمی را در تصمیم‌گیری‌های حوزه‌های عملکردی دانشگاه دارند؛ به نحوی که در دانشگاه علوم

- و تحقیقات نسبت فرآیندهایی مشارکتی دانش‌جویان (۳۵ فرآیند) به کل فرآیندهای حوزه‌های عملکردی (۲۳۹ فرآیند) تقریباً حدود ۰/۱۴ می‌باشد که در مقایسه با نتایج تحقیقات انجام‌شده توسط «ریحانا حسین» (۲۰۱۵) و «بالنس» (۲۰۲۰) بسیار ناچیز است.
- بیش از ۸۰ درصد ذی‌نفعان داخل دانشگاه علاقمند به مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی بوده و ۸۵ درصد آن‌ها کیفیت مشارکت کنونی را ضعیف ارزیابی نموده و ۷۰ درصد آن‌ها نیز بسترهای لازم مشارکت دانش‌جویان را در نظام مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی کافی نمی‌دانند.
 - توسعه‌ی مشارکت دانش‌جویان در دانشگاه باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی، شکوفایی استعدادها در فعالیتهای تیمی و نقش‌پذیری بیشتر می‌گردد که با یافته‌های مطالعات «کومار سوامی» (۲۰۱۹) همخوانی دارد.
 - مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی متأثر از بافت فرهنگی، تجربه‌ی همکاری‌های دانش‌جویی، سابقه‌ی فعالیتهای موفق مشارکتی و نگرش و ذهنیت دانش‌جویان نسبت به نتایج حاصل از مشارکت است این موضوع با نتایج مطالعات «تامرات» (۲۰۱۹)، «ژی‌کینگ و ریوژانگ» (۲۰۱۹) و «کیوبا» (۲۰۱۸) همخوانی دارد.
 - مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی به‌عنوان «هم تولیدکنندگان» تصمیمات ممکن است منجر به طولانی‌تر شدن فرآیند تصمیم‌گیری‌ها گردد؛ اما بی‌شک به افزایش کیفیت تصمیم‌گیری و سهولت و رضایت از اجرای آن‌ها کمک شایانی خواهد نمود.
 - بخش قابل توجهی از موانع مشارکت دانش‌جویان ناشی از متغیرهای اختلال‌گر درون-دانشگاهی، از قبیل روش‌های سلیقه‌ای، تفسیر متفاوت از قوانین و مقررات، انگاره‌های تربیتی، زمینه‌های نگرشی، عقاید، علایق و گرایش‌های انجام کار در حوزه‌های عملکردی می‌باشد. هرچند نباید اثرگذاری عوامل خارج از کنترل دانشگاه به ویژه عوامل سیاسی را نادیده گرفت.
 - مهم‌ترین پیامد ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی دانشگاه علوم و تحقیقات در سطح خرد تقویت روحیه‌ی مشارکت جویی، خودباوری، انحصارزدایی، تحرک-آفرین و نشاط‌بخش و کاهش تعارضات و حوادث ناشی از آن و در سطح کلان نیل به اهداف «دانشگاه فضیلت‌مند و مسئولیت‌پذیر» می‌باشد. این موضوع تا حدودی با نتایج تحقیق جهانیان (۱۳۸۹) و مطالعات قورچیان و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

- متناسب‌سازی سیاست‌های حوزه‌ی فرهنگی با زیست‌بوم دانشگاه علوم و تحقیقات می‌تواند از جمله محرک‌های نگرشی و رفتارساز باشد. از این رو سازوکارها فرهنگی- ترویجی در نمادسازی و ارزش‌گذاری مشارکت داوطلبانه نقشی کلیدی را در ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی دارد.
- ایجاد فرصت‌هایی برای همکاری با ایجاد کمیته‌های دانش‌جویی در حوزه‌های عملکردی دانشگاه علوم و تحقیقات با مشارکت دانش‌جویان یا نمایندگان آن‌ها در این کمیته‌ها فرصت تضارب آرا و دخالت دیدگاه را در تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌آورد که به نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکتی دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاه کمک می‌کند.
- محدودیت‌های انتخابی و عدم انعطاف‌پذیری تصمیمات برای دانش‌جویان به بیگانگی اجتماعی و مشارکت‌گریزی آنان می‌انجامد. به عبارت دیگر، هر چقدر از سوی نظام اجتماعی دانشگاه حق انتخاب برای دانش‌جویان کمتر شود به همان میزان بیگانگی اجتماعی بیشتر خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف طراحی سازوکار ارتقای مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر توسعه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی انجام گرفته است. با توجه به سرعت تغییرات، پیچیدگی محیط و ماهیت نهاد دانشگاه، توسعه‌ی نظام‌های مشارکتی گامی مؤثر در تعالی دانشگاه‌های کشور، در تراز جهانی و نقش‌آفرینی دانش‌جویان به‌عنوان شهروند می‌باشد. در این راستا ۴۲ مؤلفه شناسایی، اولویت‌بندی و در ۴ بُعد: نهادی (۱۲ مؤلفه)، نگرشی (۱۳ مؤلفه)، رفتاری (۸ مؤلفه) و ارزشی (۹ مؤلفه) دسته‌بندی گردیدند. از دیدگاه جامعه‌ی آماری به ترتیب بعد نهادی، بعد نگرشی، بعد رفتاری و بعد ارزشی دارای بیشترین اهمیت بودند در ادامه پیشران‌ها و تسهیل‌کننده‌های تقویت‌کننده‌ی این مؤلفه‌ها توسط جامعه‌ی آماری مشخص گردیدند.

از میان مؤلفه‌های سازوکار پیشنهادی به ترتیب مؤلفه‌های «میزان تعهد عاطفی و توان‌مندی روان- شناختی در میان دانش‌جویان، تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با بهره‌گیری از گستره و تنوع افکار عقاید و نظرت، توسعه و تقویت فرآیندهای بهره‌گیری از خرد جمعی در دانشگاه، ارزش‌گذاری تصمیمات جمعی در مقابل با تصمیمات فردی و مشروعیت‌بخشیدن به روحیه‌ی همکاری و حس مسؤولیت‌پذیری دانش‌جویان دارای بالاترین اولویت می‌باشند. درنهایت از دیدگاه جامعه‌ی آماری تحقیق مشخص گردید وضعیت مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی در دانشگاه آزاد

اسلامی علوم و تحقیقات بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی در حد مطلوبی نمی‌باشد و عدم آشنایی دانش‌جویان با شیوه‌های تصمیم‌گیری مشارکتی، انجماد آموزش عالی در دانشگاه‌های نسل اول، بی‌انگیزگی، عدم خودباوری و ابهام در آینده، تمایل به هم‌نوایی و هم‌رنگ جماعت شدن، ضعف فرهنگ مسؤولیت‌پذیری و پیشرفت‌گرایی، عملکرد محدود اتحادیه‌ها، کانون‌ها، تشکل‌ها و انجمن‌های دانش‌جویی، فراهم‌نبودن سازوکارها و زیرساخت‌ها، میل به تمرکز و توزیع نامتوازن قدرت در تصمیم‌گیری‌ها، نبود قوانین و مقررات تسهیل‌کننده و حمایتی و عدم شفافیت در فرآیندهای حوزه‌های عملکردی دانشگاه از علل عمده‌ی آن می‌باشد.

پیشنهاد‌های پژوهش

- در کنار ساختارهای مشارکتی کنونی سایر نظام‌های مشارکتی مانند نظام مدیریت مشارکتی، نظام تصمیم‌ساز جمعی، نظام تسهیم و گردش اطلاعات، نظام مدیریت دانش، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ایجاد و توسعه پیدا نماید.
- استقلال دانشگاهی به‌عنوان یک مطالبه و مؤلفه‌ای کلیدی در ارتقای مشارکت دانش‌جویان از سوی سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور مورد توجه جدی قرار گیرد.
- معماری ساختار مشارکت‌محور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در قالب یک نظام شورایی با تشکیل شورای‌های عالی و با عضویت نمایندگان دانش‌جویان و همچنین شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی مشورتی دانش‌جویی ذیل این شوراها طراحی گردد.
- فعالیت‌های مشارکتی دانش‌جویان به‌عنوان یک شاخص کلیدی و هم‌افزا در برنامه‌های ارزیابی عملکرد نظام مدیریت دانشگاهی، گنجانده و هرساله مورد ارزیابی قرار گیرد.
- خودسازمان‌دهی دانش‌جویان در اتحادیه‌ها، کانون‌ها، تیم‌ها، تشکل‌ها و کمیته‌ها به منظور شراکت در پذیرش مسؤولیت‌ها و حمایت از اجرای تصمیمات در قالب برنامه‌های فرهنگی (گروه‌های هنری، اردوهای جمعی، ورزش‌های گروهی و...)، برنامه‌های آموزشی (گروه‌های یادگیرنده، آموزش‌های داوطلبانه، مدیریت کلاس‌ها و...)، برنامه‌های پژوهشی (انجمن‌های علمی، تیم‌های تحقیقاتی و...) و برنامه‌های رفاهی (شوراها، رفاهی، خوابگاه، سلف و...) تقویت گردد.
- مؤلفه‌های ارزشی نظام مدیریت دانشگاهی در دانشگاه‌های پیش‌گام بومی‌سازی و مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

- سیاست‌های حمایتی و توان‌مندسازی از دانش‌جویان مشارکت‌پذیر از سوی حوزه‌های عملکردی مورد تأکید قرار گیرد.
- کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های هم‌اندیشی، سمینارهای علمی مرتبط با موضوع مشارکت برای ذینفعان داخلی برنامه‌ریزی و اجرا گردد.
- مشارکت و همکاری دانش‌جویان در تشکل‌های دانش‌جویی در سطح دانشگاه به‌عنوان یک ارزش اجتماعی ترویج و مورد تأکید قرار گیرند.
- توسعه‌ی فرهنگ مشارکت‌پذیری و انحصارزدایی جهت پرورش دانش‌جویان به‌عنوان شهروند مسؤل، خلاق، پرسش‌گر به‌عنوان یکی از ماموریت‌های کلان دانشگاه در نظر گرفته شود.
- تیم‌سازی در تمامی سطوح عملکردی دانشگاه به‌عنوان یک هدف غایی مورد تأکید و حمایت قرار گیرد.
- آموزش حقوق اجتماعی دانش‌جویان به منظور آگاهی از مسؤولیت‌ها و اختیارات در اولویت برنامه‌های توجیهی ورود به دانشگاه قرار گیرد.
- به منظور شبکه‌سازی و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی تشکل‌های فارغ‌التحصیلی تشکیل و مورد حمایت قرار گیرند.
- زمینه‌های ایجاد گفتمان و فعالیت مشارکتی در میان دانش‌جویان تقویت و حمایت شود.
- علاوه بر تقویت روحیه‌ی مشارکت‌جویی، برنامه‌های کاهش تقابل ارزشی، بیگانگی اجتماعی و روحیه‌ی فایده‌گرایانه ابهام‌نقش و تعارض‌نقش در میان دانش‌جویان تدوین و اجرا گردد.

منابع

۱. اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۹۶) *دانشگاه از منظر دانشجویان*، چاپ اول، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۲) «بوروکراسی دانشگاهی: مسائل و چالش‌ها»، *فصل‌نامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران*، سال ۵، شماره‌ی ۴: ۱-۲۲.
۳. جاودانی، حمید (۱۳۹۳) «طراحی الگوی توسعه‌ی سازمانی در نظام مدیریت آموزش عالی ایران»، *فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۴: ۵-۷۴.
۴. حقی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۶) *سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت زمینه‌ساز توسعه‌ی پایدار*، تهران: مینوفر.
۵. درویشی، لیلا و پریش جعفری (۱۳۹۸) *شهروندی در بستر نظام تربیتی*، تهران: سراچه دل.
۶. رضایی، محمدجواد و مهدی موحدی بک نظر (۱۳۹۶) «تبیین و ارزیابی نظریه‌ی انتخاب عمومی»، *اقتصاد تطبیقی*، سال چهارم، شماره‌ی ۱ (پیاپی ۷): ۸۹-۱۱۴.
۷. ستاری، علی؛ یردانی، فاطمه و عباس فرازی (۱۳۹۶) «بررسی نظریه‌ی کنش ارتباطی هابرماس و دلالت‌های آن در آموزش عالی و دانشگاه»، *علوم تربیتی*، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۱: ۱-۱۵۰-۱۲۱.
۸. صالحی، مسلم؛ قلتاش، عباس و حدیثه مرتضایی (۱۳۹۲) «رابطه‌ی خلاقیت و مشارکت با توانمندسازی اعضای هیئت علمی»، *فصل‌نامه‌ی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال چهارم، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۱۵): ۹۹-۱۱۶.
۹. علوی شاد، عباس (۱۴۰۱) «شناسایی و ارزیابی مولفه‌های اثرگذار بر بازده مطلوب سرمایه‌گذاری در تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی ایران»، *فصل‌نامه‌ی چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ۵۱: ۱۳-۲۴.
۱۰. کشتکار، مهران و حمیدرضا حاتمی (۱۳۹۴) «الگوی مفهومی مشارکت سازمان‌یافته‌ی مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام»، *فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی بسیج*، سال هجدهم، شماره‌ی ۶۹: ۳۹-۶۷.

11. Ajzen, I.(1985) «From intentions to actions: A theory of planned behavior». **In Action-control: From cognition to behavior** (11–39). Edited by J. Kuhl and J. Beckman, Heidelberg, Germany: Springer
12. Alexander, A. and Manolchev, C. (2020) «The future of university or universities of the future: a paradox for uncertain times», **International Journal of Educational Management**, Vol. 34 No. 7, pp. 1143-1153.
13. Blanc, David Le. (2020) «**E-participation: a quick overview of recent qualitative trends**», United Nations, Department of Economic and Social Affairs.
14. Bowden, Jana Lay-Hwa and Tickle Leonie and Naumann Kay. (2019) «The four pillars of tertiary student engagement and success: a holistic measurement approach», **Studies in Higher Education**, Volume 45, Issue 9.PP.1-18.
15. Colini, Stephen (2020) **What is the meaning and purpose of the university ?**, Translators: Arya and Behiraei, first edition, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
16. Croucher, Gwilym and Lacy, William B. (2020) «Perspectives of Australian higher education leadership: convergent or divergent views and implications for the future? » **Journal of Higher Education Policy and Management** Volume 42, Issue 4, pp.516-529.
17. Hagger, M. S. (2019) **the reasoned action approach and the theories of reasoned action and planned behavior**. In D. S. Dunn (Ed.), Oxford Bibliographies in Psychology. New York, NY: Oxford University Press.
18. Harrison, Neil. (2020) «Patterns of participation in higher education for care-experienced students in England: why has there not been more progress? », **Studies in Higher Education**, Volume 45, Issue 9.PP.1986-2000.
19. Huntington, Samuel P. and Nelson, Joan M. (1978) «Political Participation in Developing Countries», **American Political Science Review**, Volume 72, Issue 2, pp.735-736.
20. Kumaraswamy, S. (2019) «Promotion of Students Participation and Academic Achievement in Large Classes: An Action Research Report», **International Journal of Instruction**, Vol.12, No.2, pp.370-382.
21. Lozano, Jon. (2019) **Bridging the divide: exploring the connections between student governments and higher education governing boards**, *Studies in Higher Education*, 45: 1878-1891.
22. Mercer-Mapstone, Lucy Diana, Marquis, Elizabeth, McConnell, Catherine. (2018) «The Partnership Identity' in Higher Education: Moving From 'Us' and 'Them' to 'We' in Student-Staff Partnership», **the Canadian Journal of Higher Education**, Vol 3, No 1, PP.12-29.
23. Miller, W. and Gunnels, K. (2020) «Engagement in Higher Education: Building Civil Society through Campus Activism», **Innovations in Higher Education Teaching and Learning**, Vol. 21, Emerald Publishing Limited, pp. 163-179.

24. Murray, Neil. (2018) «Understanding Student Participation in the Internationalized University: Some Issues, Challenges, and Strategies», **Education Sciences**, 8(3), pp.1-10.

25. Planas, A., Solaer, P., Fullana, J., Pallisera, M. & Vila, M. (2013) «Student participation in university governance: the opinions of professors and students». **Studies in Higher Education Journal**, Vol. 38, No. 4, PP. 571-583.

26. Quick, Mark. (2020) **University and Government - Nationalization**, Translators: Arya and Behiraei, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.

27. Rehana Hossain, Fatema. (2015) «Student participation in university governance: a qualitative study», McGill University Faculty of Education, A Thesis submitted degree of Master of Art in Education.

28. Tamrat, Wondwosen. (2019) «The exigencies of student participation in university governance: Lip services and bottlenecks», **Journal Quality in Higher Education**: Vol. 26, No 2, PP. 25–47.

29. True, Martin. (2019) **Higher Education in the Leading World**, Translators: Arya and Behiraei, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies Publications.

30. Yinka, Ibijola Elizabeth. (2014) «A Comparative Study of Students' Participation in the Management of Nigerian Universities», **Journal of Education and Training**, Vol. 1, No. 2, PP.121-131.

31. Zhiqiang, Wang & Zhang, Ruizhong. (2019) «A Study on the Mechanisms of American Students Participation in University Governance Advances in Economics», **Business and Management Research**, Vol. 82, PP.121-125.